

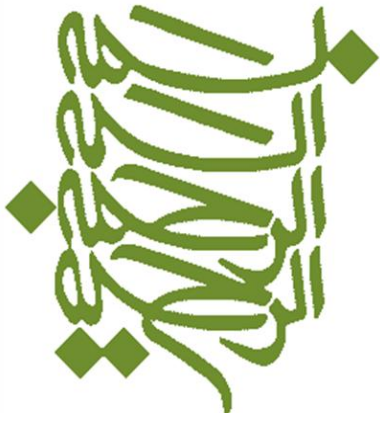


فرآیند پردازش ایده‌های فرهنگی

«بارویکرد سودآوری اقتصادی»



فروردین ۱۳۹۰



مندرجات

- ← ضرورت فعالیت‌های فرهنگی
- ← ضرورت استقلال اقتصادی عرصه فرهنگ
- ← امکان سودآوری فعالیت‌های فرهنگی
- ← سابقه رویکرد اقتصادی در نهادهای فرهنگی سنتی
- ← در جستجوی ایده‌های فرهنگی سودآور
- ← مکانیزم پردازش ایده‌های فرهنگی
- ← ایده‌های آماده تبدیل به پروژه
- ← سازوکار مدیریت پروژه‌های فرهنگی - اقتصادی
- ← ساختار تشکیلاتی نهاد فرهنگی مستقل

ضرورت فعالیت‌های فرهنگی

جامعه‌ای که پایبند به ارزش باشد و ارزش‌های خود را فراتر از عالم ماده بداند، ناگزیر به سامان دادن فعالیت‌هایی است که به ترویج ارزش‌های معتبر در آن جامعه بپردازد. فعالیت‌هایی که نگاه متعالی جامعه به ارزش‌های فرامادی را بر تمامی سازوکارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مادی مستولی سازد و جهت‌گیری آحاد ملت را در سمت و سوی آن ارزش‌ها هماهنگ و همسو نماید. این تلاش‌های ارزش‌زا را اصطلاحاً فعالیت‌های فرهنگی نامند. فعالیت‌هایی که هویت ملی جامعه را شکل می‌دهد. در یک کلام فعالیت‌های فرهنگی تلاش‌هایی است که به منظور ترویج ارزش‌های فرامادی جامعه و تقویت هویت آن صورت می‌پذیرد.

با دقت به تأثیر فزاینده هویت مکتبی و ملی در افزایش وحدت سیاسی و توان تولیدی و اقتصادی جامعه، نقش خطیر فعالیت‌های فرهنگی بیش از پیش روشن می‌گردد. از این رو، هر فعالیتی که هویت جامعه را ارتقاء بخشد، اثر مستقیم بر توسعه کشور در همه ابعاد می‌نهد و اسباب پیشرفت سریع را فراهم می‌نماید.

با ضمیمه کردن مقدمات فوق، تردیدی نیست که یکی از ضروری‌ترین وظایف نهادهای مدنی در هر کشوری، اهتمام به فعالیت‌های فرهنگی در راستای ترویج ارزش‌های سره و صحیح است، ضرورتی که تردیدی در آن جای ندارد.

ضرورت استقلال اقتصادی عرصه فرهنگ

هنگامی که فرهنگ به فراگیری ارزش‌ها تعریف شود و به استيعاب پذیرش رفتارهای فرامادی، اگر در چارچوبی وابسته به فرآیندهای اقتصادی جامعه تعریف گردد، سیاست‌های اقتصادی، تأثیری در فرهنگ خواهند گذارد که آن را از ارزش‌های راستین دور خواهد کرد. طبیعی است که اقتصاد به دلیل نگاه مادی به زندگی دنیایی سعی در افزایش سودآوری خویش دارد و تلاش می‌کند تمامی متغیرهای تابع خود را در همین جهت راهبری نماید. اگر فرهنگ بخواهد نگاه خود به ارزش‌های فرامادی را حفظ و تقویت کند، نمی‌تواند از تصمیمات اقتصادی تبعیت کند.

اگر فرهنگ وابسته به اقتصاد تعریف شود، از دو رویکرد گریزی نخواهد داشت؛ یا برای جذب سرمایه ناگزیر به تغییر ارزش‌ها به سوی ماده‌پرستی خواهد بود و یا با حفظ ارزش‌های معنوی، توان خود را برای ترویج و زایش از دست خواهد داد. فرهنگ سترون پایداری و استقامت ندارد و گستره زمانی و مکانی خود را در بازه‌ای کوتاه از دست می‌دهد.

بنابراین گزاره تردیدناپذیر دوم، پس از پذیرش «ضرورت فعالیت‌های فرهنگی»، ضرورت استقلال فعالیت‌های

فرهنگی از عرصه اقتصاد است. بُعد فرهنگی جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها مستقل از نهادها و بنگاه‌های اقتصادی عمل نماید و لازمه این مطلب، استقلال اقتصادی عرصه فرهنگ در جامعه است.

امکان سودآوری فعالیت‌های فرهنگی

مهم‌ترین پرسش، پس از پذیرش ضرورت استقلال اقتصادی عرصه فرهنگ، امکان آن است. بحث ثبوتی آن اگر مورد پذیرش قرار گرفته، اما از بحث اثباتی کفایت نمی‌کند. آیا فرهنگ می‌تواند بدون وابستگی به عرصه اقتصاد و بدون تبعیت از سیاست‌های حاکم بر آن، به فعالیت ادامه دهد؟ آیا فرهنگ می‌تواند اقتصاد خود را به مهنیز کشد و بی‌پروا دست به فعالیت‌های اقتصادی تابع زند. فعالیت‌هایی که راهبردهای خود را از فرهنگ اخذ نمایند و تحت رهبری آن بر پای شوند؟

علت تقویت این شبهه در ذهن فعالان فرهنگی جامعه آن است که به طور معمول میل آحاد جامعه به هزینه کردن برای ترویج ارزش‌های فرامادی کم است، ارزش‌هایی که با انگیزش‌های اقتصادی افراد طبیعتاً در تضاد است. اقتصاد میل به زیاده‌طلبی را افزون می‌سازد، چگونه می‌توان انتظار داشت که به طور طبیعی در جهت خلاف امیال دنیایی حرکت نموده و تصمیم بگیرد. از این رو، نگرش رایج، ناتوانی فرهنگ در تأمین مایحتاج مادی خود است. این دیدگاه نوعی پارادوکس را سبب شده و بسیاری از مکاتب غربی را به نوعی نسبت‌گرایی اخلاقی و فرهنگی سوق داده است. زیرا مادامی که نهادهای فرهنگی برای ترویج ارزش‌های فرامادی خود محتاج نهادهای سیاسی و اقتصادی باشند، در تصمیم‌گیری نیز تابع بوده و نهایتاً فرهنگ هر جامعه برداری هم‌جهت با ماده‌پرستی بشریت ترسیم خواهد کرد. این نگاه است که مارکس را بر آن داشت تا دین را افیون توده‌ها بنامد، مخدری که ظلم سرمایه‌داران حاکم بر کارگران را برای آنان قابل پذیرش نماید!

اگر چه نخستین نگاه به عرصه فرهنگ، ناتوانی آن در تأمین بُعد اقتصادی خویش را به رخ می‌کشد، اما آشنایان به دستورات و احکام دین مبین اسلام، راهکارهای قدرتمند این مکتب را برای اعطای استقلال اقتصادی به فعالیت‌های فرهنگی در یاد دارند و می‌دانند چه ابزارهایی برای این منظور پیش‌بینی شده است. یکی از معروف‌ترین ابزارهایی که دین اسلام برای ایجاد استقلال در عرصه فرهنگ در نظر گرفته است «وقف» است. راهکاری کاراً در راستای ناتوان‌سازی اقتصاد از حکومت بر تغییر ارزش‌های فرهنگی. همچنین می‌توان با نگاهی عمیق‌تر، «خمس»، «نذر» و احکامی مانند آن را نیز در همین مسیر ترسیم نمود. در لایه‌ای بنیانی‌تر، از نظرگاه فلسفی که بنگریم، اگر فرهنگ نمی‌توانست مستقل از اقتصاد عمل نماید، اساساً دین و دینداری مفاهیمی بی‌اثر، ناکارآمد و فریب‌کارانه می‌نمود که خلاف بداهت‌ها و سیره متشرعه است.

سابقه رویکرد اقتصادی در نهادهای فرهنگی سنتی

وقتی به گذشته جامعه خود نگاه کنیم، میدان‌های وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی مستوعب و فراگیر می‌بینیم که همگی به دور از وابستگی‌های اقتصادی، مستقلاً ساخت یافته و استقرار پیدا کرده‌اند. فعالیت‌هایی که آثار بر جای‌مانده گسترده‌ای بر سنت‌ها و باورهای امروز جامعه گذارده و همچنان به پیش می‌روند.

بسیاری از موقوفه‌ها کارکردهای فرهنگی دارند. از مساجد و حسینیه‌ها و تکیه‌ها گرفته، تا درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و بسیاری زمین‌های کشاورزی و مسکونی و مسافرخانه‌ها که عوایدشان به صورت مستقیم برای فعالیت‌های فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ضمیمه کنید به تمام این موقوفه‌ها، حجم نذوراتی که هر ساله به سوی فعالیت‌های فرهنگی سرازیر می‌شود. ورود تمامی این ثروت‌ها به عرصه فرهنگ، بدون تحمیل ساحت تصمیم‌گیری اقتصادی به

فعالیت‌های فرهنگی است و مبراً از این‌که ارزش‌های اقتصادی مادی را جایگزین ارزش‌ها و باورهای فرامادی نماید.

در سابقه تاریخی ملت ایران کم نیست از نمونه‌هایی که مثلاً حمامی عمومی احداث شده، تمام یا بخشی از سود حاصله از آن وقف مسجد یا زورخانه‌ای گردیده است؛ اولی کاربردی عبادی در عرصه فرهنگ دارد و دومی ورزش را به عنوان ابزاری برای فرهنگ‌سازی به کار گرفته است. کاروان‌سراها و مسافرخانه‌ها نیز با چنین رویکردهایی احداث می‌شده‌اند. در این نمونه‌ها، واقف می‌توانسته هم سود خود را از سرمایه‌گذاری استحصال نماید و هم فعالیتی فرهنگی به صورت مستقل از اقتصاد سامان دهد.

در جستجوی ایده‌های فرهنگی سودآور

امروزه اما عرصه فرهنگ با ورود ابزارهای فرهنگی جدید که به نوعی پیچیده‌تر از ابزارهای سنتی عمل می‌کنند، گستره عملیاتی وسیع‌تری یافته است، کارآمدی آن توسعه یافته و کارایی ابزارهای سنتی را در معرض خطر قرار داده است. اقتصاد نیز با سازوکارهای پیچیده رقابتی، سودآوری را آن‌چنان دشوار ساخته و ریسک سرمایه‌گذاری را بالا برده که نمی‌توان به سادگی از یک فعالیت اقتصادی انتظار داشت هم سود سرمایه را تأمین نماید و در همان حال، هزینه فعالیت‌های مستقل فرهنگی را به صورت وقف یا نذر فراهم کند.

ابتناء اقتصاد بر بازار آزاد که نرخ رایج نظام سرمایه‌داری حاکم بر فرآیندهای اقتصادی موجود است، ایده آدام اسمیت در کتاب «ثروت ملل»، دست نامرئی و پنهانی که به کمک رقابت، نظام عرضه و تقاضا را در تعادل نسبی نگه می‌دارد، به سرمایه‌گذار اجازه نمی‌دهد تا بتواند از سود خود استفاده دلخواه را ببرد. او برای جا نماندن از رقابت تنگاتنگی که به طرفه‌العینی می‌تواند از او یک ورشکسته اقتصادی بسازد، ناگزیر به استفاده از فرصت‌های بازار آزاد است و نمی‌تواند به سادگی بخشی از سرمایه را وقف فعالیتی فرهنگی نماید که به بازپس‌آوری اصل سرمایه در آن امیدی نیست. از این رو، ورود به ساحت وقف و نذر برای بسیاری نگران‌کننده و پراضطراب گشته و مانع سرمایه‌گذاری‌های وسیع در این زمینه می‌شود. کسانی که در این عرصه ورود پیدا می‌کنند نیز به صرف درصد کمی از سرمایه خود بسنده می‌نمایند.

البته بزرگانی هستند که از پس تجربیات فراوانی که در بازار کسب کرده‌اند، راهکارهایی برای سرمایه‌گذاری فرهنگی یافته و پاسخ مطلوب نیز به دست آورده‌اند. این افراد از ایده‌هایی بهره می‌گیرند که می‌تواند بازگشت اصل سرمایه و سود متناسب را در عین کارکرد فرهنگی مستقل تضمین نماید. این ایده‌ها چه هستند و چگونه به دست می‌آیند؟

دقیقاً پرسش اصلی همین است؛ ایده‌هایی که امروز بتواند در ضمن استفاده از ابزارهای نوین فرهنگی، فعالیت را شکل دهد که بی‌دخالیت تصمیمات اقتصادی عملی باشد و راهگشا، چگونه به دست می‌آید؟!

پاسخ به این پرسش چندان دشوار نیست. لازمه دستیابی به ایده‌ها تجمیع آن‌هاست. ایده‌ها در بستر نخبگان جامعه شکل می‌گیرد و در پهنه وسیعی از افراد، کسانی که به موضوعات فرهنگی می‌اندیشند و هر از چندگاهی مطلبی به ذهن‌شان خطور می‌کند. اما در غالب موارد، این ایده‌ها به دلیل ناتوانی از دستیابی به سرمایه مناسب، متولد نشده سقط می‌شوند و دوران جنینی کوتاهی دارند. دولت‌ها غالباً برای حمایت از ایده‌ها سازوکارهای متعددی فراهم می‌کنند، مهم‌ترین این راهکارها تولید «انکوباتور» در کنار محیط‌های دانشگاهی کشور است. شبکه‌های رشدی که از ایده‌ها حمایت می‌کند تا به عرصه فعالیت اقتصادی وارد شوند. چنین نهادهایی چند سال پیش در کشور ما هم راه‌اندازی شد. ولی بیشتر برای حمایت از فعالیت‌های فنی و مهندسی و به نحوی برای ساماندهی ایده‌هایی که در عرصه صنعت کشور شکوفایی و رشدی را پدید آورند. آن‌چه موضوع بحث ماست، عرصه فرهنگ است و در این عرصه هیچ «انکوباتوری» هنوز تولید نشده است!

آنچه ما در این طرح به دنبال آن هستیم، تأسیس روشی است برای تجمع ایده‌ها و فراهم‌سازی سرمایه لازم برای عملی‌سازی آن‌ها. ایده‌هایی برای فعالیت‌های فرهنگی با قابلیت سودآوری اقتصادی. زیرا تنها این گونه فعالیت‌ها هستند که می‌توانند دوام زمانی داشته و پیوسته ادامه یابند. زیرا می‌دانیم فعالیت‌های فرهنگی وابسته به یارانه هرگز نمی‌توانند تداوم داشته باشند.

مکانیزم پردازش ایده‌های فرهنگی

از ایده تا اجرا منازل متعددی است. از یک سو هر ایده‌ای قابلیت اجرا ندارد و هر ایده‌ای معلوم نیست بتواند مدعای خود را محقق سازد. از سوی دیگر، ایده‌های قابل اجرا نیز از عرصه عمل دور هستند. این دوری از عمل دو جهت عمده دارد؛ ① جهت نخست دوری از سرمایه است، سرمایه‌ای که تا ایده توجیه‌پذیر نباشد قابلیت جذب ندارد و ② جهت ثانی دوری از ریزفعالیت‌هاست. هر فرآیند و عملیاتی برای اجرا نیازمند محاسبات متعدد و آمار و اطلاعاتی است، اندازه‌گذاری و ابزارسنجی می‌خواهد و بسیاری فعالیت‌های عینی که تا انجام نشود، نمی‌تواند ایده را عملیاتی کند.

بدین دو منظور، ما پس از تجمع ایده‌ها ناگزیر به ① گزینش ایده و ② پردازش ایده هستیم. برای این منظور، باید گروهی از کارشناسان، ایده‌ای را که با ضوابط خاصی در کاربرگ‌های مناسب درج شده بررسی نمایند و موارد محتمل‌الموفق را انتخاب کنند. این ایده‌های مصوب، سپس نیاز به داده‌هایی دارند که باید از واقعیت فرهنگی جامعه و عینیت بستر اقتصادی جمع‌آوری شود. عناوین تخمینی این داده‌ها را کارشناسان مصوب اعلام کرده‌اند. یقیناً نیاز به تیمی از عملگرایان است که با انواع روش‌های پژوهشی، این داده‌ها را استخراج نمایند و ضمیمه ایده کنند. اکنون کارشناسان می‌توانند با بازبینی ایده، التفات به قدرت سودآوری و سرمایه‌بازآوری آن نمایند. مقادیر که عددی شد و قابل پیش‌بینی، این امکان فراهم می‌شود که برای بار دوم ایده مورد تصویب یا رد قرار گیرد.

تصویب شدن یک ایده، پس از پردازش، پایان ایده‌پردازی نیست. ایده نیاز به سرمایه دارد و باید سرمایه‌گذار مؤمن را به حضور در این فعالیت فرهنگی ترغیب نمود. پردازش پس از تصویب ثانوی باید همچنان ادامه یابد، اما این بار در جهت افزایش قابلیت توجیه‌پذیری ایده. تهیه نمودارها، ماکت‌ها، پرده‌نگارها، بروشور و تمام آنچه که می‌تواند قدرت یک ایده فرهنگی را نمایش دهد. چنین ایده‌ای که قابلیت جذب سرمایه داشته باشد را «ایده فرهنگی - اقتصادی» می‌نامیم.

ایده‌های آماده تبدیل به پروژه

هنگامی که سرمایه‌گذار یا گذاران حضور در فعالیت فرهنگی مورد نظر را پسندیدند و آن را متناسب با انگیزه‌ها و اقتضائات اقتصادی خود یافتند، وقت آن رسیده است که ایده پرورده تبدیل به پروژه عملیاتی و قابل کنترل شود.

این کار حتماً نیاز به یک مدیر پروژه دارد که از یک سو با فعالیت فرهنگی مورد نظر آشنایی داشته باشد و از دیگر سو قادر باشد یک پروژه اقتصادی را مدیریت کند. مدیر پروژه موظف خواهد بود تمامی منابع مورد نیاز را تهیه و فراهم نماید؛ از منابع انسانی مورد نیاز تا مصالح و مواد اولیه و مصوبه‌ها و موافقت‌نامه‌ها و مجوزها و تمامی آنچه برای یک فعالیت فرهنگی - اقتصادی مورد نیاز است.

کارشناسان مصوب ایده، در مراحل اجرای پروژه، نقش ناظر را بازی خواهند کرد و در زمان‌بندی‌های پیش‌بینی شده، گزارش فعالیت‌ها را دریافت و تحلیل خواهند نمود.

سازوکار مدیریت پروژه‌های فرهنگی - اقتصادی

طبیعتاً آنچه تا کنون برای پروژه‌های اقتصادی به عنوان روش مدیریت پروژه گفته شده و به کار گرفته می‌شد، نمی‌تواند در این نوع پروژه‌های خاص به طور مطلق به کار رود. حتی ویژگی‌های فرهنگی این نوع از پروژه‌های اقتصادی، چیزی بیش از ضمیمه شدن یک پیوست فرهنگی به کل پروژه یا اجزای آن است. اساساً این پروژه‌ها با یک نگاه عمیق فرهنگی طراحی می‌شوند که ناشی از ایده‌ای است که بر اساس مبنای اولیه ترویج ارزش‌های فرامادی پیشنهاد، تصویب و پرورده شده است.

این نگرش، نیاز به نظارت کارشناسان فرهنگی را اگر چه زیاد می‌کند، حضور این کارشناسان در بطن پروژه را نیز می‌طلبد، در تمام بخش‌هایی که تأثیر مستقیم با نتیجه فرهنگی متوقع دارد. از این رو، قسمت‌هایی از پروژه که در طرح به عنوان محورهای فرهنگی پروژه در نظر گرفته شده‌اند، باید در صحنه عمل نیز از نظرات ایده‌پردازان فرهنگی و کارشناسان ارزشی بهره ببرند.

تصور کنید هنگامی که شیخ بهایی ره منارجمان اصفهان را می‌ساخته است و یا بنای با عظمت حرم امام رضا(ع) را در مشهد مقدس. هنگامی که هدف صدور یک فعالیت فرهنگی است، اگر چه مهندسین به آن مشغول باشند، حضور کارشناسان فرهنگ‌شناس در کف پروژه ضرورتی انکارناپذیر دارد.

در نهایت آنچه می‌توان به شکل یک فرآیند از بروز ایده تا نهایی شدن یک پروژه در نظر گرفت در محورهای ذیل قابل تصور است:

۱. ثبت ایده در کاربرگ ویژه ایده‌نگاری
۲. طبقه‌بندی ایده‌ها بر اساس رده‌بندی مناسب
۳. بررسی ایده‌های هر طبقه موضوعی در شورای کارشناسی
۴. تصویب اولیه ایده و اعلام داده‌های مورد نیاز
۵. انتخاب مسئول پردازش ایده برای هر ایده تصویب‌شده و تحویل کار
۶. دریافت اطلاعات ایده‌شناسی از مدیر پردازش ایده در پایان مهلت
۷. بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده برای ایده و تصویب ایده‌های قابل
۸. انتخاب مسئول نماسازی ایده برای ایجاد قابلیت توجیه‌پذیری در آن
۹. بررسی سرمایه‌داران و انتخاب سرمایه‌گذار مناسب برای ایده
۱۰. دعوت سرمایه‌گذار و پرزنت ایده با استفاده از نماسازی انجام شده
۱۱. تبدیل ایده به پروژه فرهنگی - اقتصادی و تعیین محورهای فرهنگی
۱۲. تنظیم قرارداد همکاری توسط کارشناسان حقوقی
۱۳. انتخاب مدیر پروژه برای اداره عملیات اجرایی پروژه
۱۴. نظارت کارشناسان بر فعالیت مدیر پروژه و بازبینی پروژه در مقاطع زمانی پیش‌بینی شده

در نهایت پس از پایان فرآیند فوق، پروژه فرهنگی - اقتصادی به پایان رسیده است و باید تحویل مالکان اصلی شود. مالک می‌تواند سازمان اوقاف باشد، می‌تواند واقف خاص باشد، یا متولی منصوب از سوی سرمایه‌گذار و یا هر گزینه قابل تصور دیگر. در هر صورت پروژه فرهنگی - اقتصادی می‌تواند شبیه به یک فاینانس باشد، ممکن است تا چند سال، تمام یا بخشی از عواید آن منحصر در سرمایه‌گذار بوده و پس از آن وقف فعالیت فرهنگی منظور شود. این‌ها نیز نیاز به

ساختار تشکیلاتی نهاد فرهنگی مستقل

البته اجرای این فرآیند چندان هم ساده نیست. قطعاً نیاز به نهاد و سازمانی دارد که قادر به اجرای تمامی گام‌های این فرآیند باشد. در نهاد مذکور نیز ابتدا باید فعالیت‌هایی انجام شود تا این حضور نظری و عملی کارشناسان فرهنگی در پروژه‌های فرهنگی - اقتصادی قابل حصول گردد. فرآیندهایی که مقدم بر هر حرکتی هستند:

۱. طراحی کاربرگ‌های مورد نیاز

۱. کاربرگ ثبت ایده خام
۲. کاربرگ ارزیابی ایده خام
۳. فرمت گزارش پردازش ایده
۴. کاربرگ تعریف پروژه

۲. طراحی مستندات حقوقی

۱. آئین‌نامه اجرایی
۲. دستورالعمل برای تمامی واحدها
۳. طراحی فرم‌های قرارداد
۴. دفاتر کل، معین، بیلان و تمامی ملزومات مالی و حسابداری و دارایی

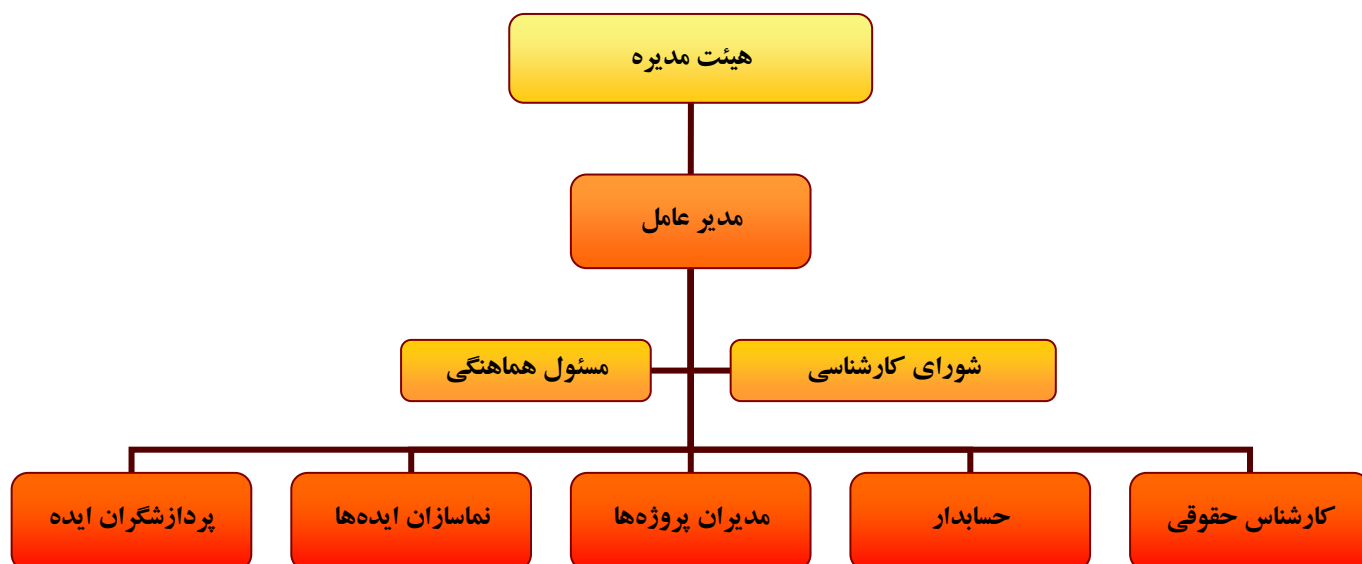
۳. تولید بانک‌های اطلاعاتی

۱. اطلاعات سرمایه‌داران ارزشی
 ۲. نهادهای فرهنگی دولتی و خصوصی
 ۳. بنگاه‌های اقتصادی فعال دولتی و خصوصی
 ۴. زمین‌های غیرمسکون و غیرفعال
 ۵. پروژه‌های عمرانی مصوب در بودجه سالانه
۴. شناسایی نخبگان فرهنگی، اقتصادی و یا اجرایی برای گزینش و دعوت به همکاری

نهادی که بتواند در آغاز کار خود، منابع فوق را فراهم نماید و در گام بعدی مسئولیت فرآیندهای تحول ایده را تا رسیدن به پروژه و عملیاتی کردن آن بر عهده بگیرد، ساختاری کوچک، چابک، سریع و در عین حال کارآمد و منظم می‌خواهد.

فرض این است که این نهاد، می‌خواهد گامی بردارد در عرصه «جهاد اقتصادی» که جهت‌گیری اصلی سال ۱۳۹۰ تعیین شده است. اما جهاد اقتصادی با نگرشی خاص به عنصر فرهنگ. با توجه به این‌که عنوان «جهاد» برای آن قابل حصول و توجیه باشد، باید مجموعه مذکور قادر به انجام ناممکن‌ها شود، به دور از کاغذبازی‌ها و ساختارهای پیچیده و فشل که سرعت عملیاتی شدن پروژه‌ها را پایین می‌آورد. ساختار مطلوب برای این نهاد باید بتواند در عین حفظ کیفیت، سرعت بالایی را نیز برای اجرای پروژه‌های فرهنگی - اقتصادی فراهم کند.

این ساختار می‌تواند به شکل ذیل باشد:



در ساختار فوق، کارمندان ثابت و دائمی تنها چهار نقش: ① مدیرعامل، ② کارشناس حقوقی یا همان وکیل، ③ حسابدار و ④ مسئول هماهنگی می‌باشند. مسئول هماهنگی همان رئیس دفتر مدیرعامل است که به نحوی مدیر داخلی و مدیر اجرایی نیز محسوب شده و کارهای اجرایی و هماهنگ‌سازی را انجام می‌دهد. نگهداری از بانک‌های اطلاعاتی و سخت‌افزار و نرم‌افزار مجموعه نیز بر عهده مسئول هماهنگی است.

شورای کارشناسی بخش معظمی از همان هیئت مدیره است، منضم به کارشناسانی که به حسب تشخیص اعضای هیئت مدیره انتخاب شده و برای همکاری موقت و مدت‌دار جذب می‌گردند.

پردازشگران ایده کارشناسانی هستند که متناسب با هر ایده خام تصویب‌شده، انتخاب می‌شوند. هر پردازشگر ایده یک ایده خام مصوب را در اختیار گرفته و تمامی داده‌های مورد نیاز برای پروراندن آن را جمع‌آوری می‌کند.

نماسازان ایده، ایده پرورده شده را برای پرزنت به سرمایه‌گذار آماده می‌نمایند. باید قدرت انجام کارهای گرافیکی و تسلط کامل به نرم‌افزارهای تولید پرده‌نگار **Power point**، نمودار و چارت مانند **Visio** داشته و با تولید ماکت و فیلم و اشکال سه بعدی و ترسیم پلان آشنا باشند.

مدیران پروژه نیز که مسلط به نرم‌افزارهای مدیریت پروژه مانند **Microsoft Project** هستند، برای هر پروژه انتخاب شده و عملیات **Out Source** مناسب با پروژه را بر عهده گرفته و گزارش‌های لازم را تولید می‌کنند.

والسلام علیکم